



مقدمه‌ای بر عهد عتیق

Introduction to the Old Testament

تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

www.muhammadanism.org

April 17, 2008

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوه‌ی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفاداری به اصول تفسیر، همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته‌ای برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس خواهد بود.

Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —



«برای ما بزرگترین مهر تأیید عهد عتیق این است که آن از خود مسیح جاری شده است... آنچه که برای نجات‌دهنده ضروری است برای نجات یافتگان هم ضروری است.»

— پروفیسور جی. ای. اسمیت (G. A. Smith)

۱. نام «عهد جدید»

پیش از اینکه وارد دریای بیکران بررسی عهد عتیق شویم، و یا حتی بررسی قسمتهای کوچک از کتابهای آن، بهتر آن است که رئوس مطالب برخی از حقایق کلی در مورد کتابهای مقدسی که ما آنها را «عهد عتیق» می‌نامیم برایتان بیان کنیم.

واژه «عهد» ترجمه‌ایست از واژه عبری *berîth*. در عهد جدید هم واژه پیمان و هم عهد ترجمه‌های هستند از معادل یونانی آن (*diathēkē*). در عنوان متون مقدس به نظر مفهوم «عهد» بسیار بارز است زیرا تمام این کتابها یک پیمان، اتحاد، و یا عهدی را میان خدا و قوم او برقرار می‌کنند.

این قسمت بدین منظور عهد عتیق نامیده شده است تا آن را از عهد «جدید» مجزا کند، اگرچه «عهد قدیمی‌تر» به نظر عنوان بهتری است چرا که در نظر برخی عتیق یا قدیمی بیانگر این موضوع است که نیازی به آموختن آن نیست. از نگاه روحانی، تاریخی، و فرهنگی این اشتباهیست بسیار مهلك. درحالیکه ایماندار به مسیح دایماً به آن قسمت از کلام خدا که به طور خاص از خداوند ما، کلیسایش و انتظار او از شاگردانش صحبت می‌کند، نمی‌توان اهمیت عهد عتیق را برای یک ایماندار ناب نادیده گرفت.

آگوستین قدیس ارتباط میان عهد عتیق و عهد جدید را بسیار زیبا بیان کرده است:

**عهد جدید در عهد عتیق پنهان است؛
عهد عتیق در عهد جدید نمایان شده است.**

۲. کانن عهد عتیق

واژه کانن (یونانی: *kanōn*) اشاره دارد به «قاعده‌ای» که چیزی را با آن ارزیابی می‌کنند و یا می‌سنجند. کانن عهد عتیق مجموعه‌ای است از کتابهای الهامی اما معتبر که رهبران روحانی اسرائیل در زمانهای قدیم آنها را به رسمیت شناختند. ما از کجا بدانیم که اینها همان کتابهایی هستند که باید در مجموعه کانن جای داده می‌شدند و یا چگونه همه این سی و نه کتاب باید در این مجموعه جای داده شوند؟ از آنجایی که از همان روزهای اول نوشته‌های مذهبی دیگری هم وجود داشتند (شامل کتابهای بدعتی)، پس چگونه ما می‌توانیم اطمینان حاصل نماییم که اینها باید همان کتابهای اصیل باشند؟

غالباً گفته شده است که شوراي يهود در اواخر قرن اول فهرست كانن را به رسميت شناخت. يهوديان با ايمان و كار آزموده شريعت متون الهامي را از همان ابتدا جدا کرده بودند و مي‌شناختند. با اينحال دوره‌اي بود که بر روي برخي از کتب بحث و اختلاف نظر وجود داشت (استر، جامعه، غزل غزلها و غيره). يهوديان عهد عتيق را به سه قسمت تقسيم مي‌کنند: تورات، انبيا (بزرگ و کوچک)، و مکتوبات. نظرات گوناگوني در باب اين موضوع مطرح شده است که چرا به عنوان مثال کتاب دانيال، يك نبوت، بايد در ميان مکتوبات باشد و نه در ميان کتب انبيا. يك نظريه رايج ليبرال اين است که دانيال بسيار ديرتر نوشته شده و به همين دليل در قسمت دوم جاي داده نشده است، که در واقع هنگامی که دانيال کتاب را نوشت اين قسمت به پايان رسيده بود (نگاه کنيد به مقدمه‌اي به کتاب دانيال). نظريه محافظه‌کار دانيال را به اين دليل در قسمت سوم مي‌بيند که او يك نبي رسمي نبود، بلکه يك مقام دولتي که خدا از او براي نبوت استفاده کرد. دکتر مریل اف. اونگر (Dr. Merrill F. Unger) چنين تعليم داده است که اين سه قسمت بر اساس مقام نويسندگان مشخص شده است:

اين يك ديدگاه محافظه‌کارانه و درست است (که به آن معتقديم). کتابهاي عهد عتيق با اين هدف مشخص نوشته شده‌اند که مقدس و داراي اعتبار الاهي باشند. بنابراين، آنها مهر کاني بودن خود را از همان بدو نگارش بر خود داشته‌اند. اين تقسيم‌بندي سه‌تايي به خاطر منصب رسمي و موقعيت نويسندگان تعيين شده است و نه بر اساس درجات الهامي بودن و تفاوت در محتوا و زمان.

شورايي که به طور رسمي كانن موجود را به رسميت شناخت در واقع آنچه را که در طي قرن‌هاي پيش پذيرفته شده بود تأييد نمود. اين شورا يك فهرست الهامي از اين کتابها تعيين نکرد، بلکه فهرستي از کتابهاي الهامي.

و براي مسيحيان مهمتر آن که خود خداوند ما بارها از سه قسمت عهد عتيق يهودي نقل قول کرده و آن را معتبر دانسته است. به عنوان مثال، لوقا ۲۴:۲۷ و ۴۴. علاوه بر اين مسيح هيچگاه از کتابهاي به اصطلاح قانون ثاني (آپوکريفا) نقل کرده است.

۳. کتب آپوکريفا (قانون ثاني)

ارتودکس شرق، کاتوليك رومي، و دانشجويان کتاب مقدس پروتستان همه بر سر بيست و هفت کتاب كانن عهد جديد اتفاق نظر دارند، عموماً بر اساس همين ترتيب موجود و همان ۲۶۰ باب. اما وضعيت عهد عتيق کمي پيچيده‌تر است.

پروتستانها و يهوديان همه بر روي محتوای عهد عتيق اتفاق نظر دارند، اما ارتودکس‌هاي شرق و کاتوليك‌هاي رومي کتابهاي گوناگوني از تاريخ و شعر يهودي را به اين مجموعه افزوده‌اند و آنها را «کتب قانون ثاني» ناميده‌اند و پروتستانها و يهوديان آنها را «کتب آپوکريفا» (در يوناني به معنای «مخفي» است) ناميده‌اند.

سی و نه کتاب نسخه موجود کینگ جیمز، کینگ جیمز جدید و دیگر نسخه‌های معتبر پروتستان همان محتوای بیست و چهار کتاب کتاب مقدس عبری را شامل می‌شوند. تفاوت در میان تعداد به خاطر ترکیبات گوناگونی که در ویرایش‌های یهودی وجود دارد، است. به عنوان مثال شش کتاب سموئیل، پادشاهان و تواریخ تنها سه کتاب محسوب می‌شوند و کتب انبیای کوچک «کتاب دوازده» نامیده شده است و در یک کتاب گردآوری شده‌اند.

یهودیان بسیاری از کتابهای دیگر را هم نوشته‌اند که اغلب به زبان عبری نیست و آنها را الهامی و یا معتبر بر نمی‌شمارند. برخی همچون کتابهای اول و دوم مکابی برای تاریخ بین دو عهد بسیار حائز اهمیت هستند. دیگر کتابها همچون «بعل و اژدها»، تنها از این نظر ارزش دارند که با خواندن آنها به غیر کانی بودن آنها پی می‌بریم.

در میان کتابهای یهودی کم‌ارزش‌ترینها را «کتب جعلی» نامیده‌اند و بهتر است که آنها را آپوکریفا بنامیم.

برخی از یهودیان و مسیحیان قدیم، اما به طور خاص ناستیکهای مصر کائن وسیع‌تری دارند که برخی از این کتابها را نیز شامل می‌شود.

هنگامی که دمشق اسقف روم از متفکر مسیحی جروم قدیس خواست که کتب آپوکریفا را ترجمه نماید او این کار را با اعتراض انجام داد. به این خاطر که او بر عبری مسلط بود و همچنین از این جهت که آنها اصالتاً جزو کائن یهودی نبودند. با اینحال گرچه جروم می‌توانست تشخیص دهد که آنها در درجه دوم اهمیت قرار دارند، اما این کتب را برای نسخه لاتین ولگیت (Vulgate) ترجمه کرد. امروزه این کتابها در نسخه‌های کاتولیک رومی دیده می‌شوند، نسخه‌هایی همچون کتاب مقدس جدید آمریکایی (New American Bible) و کتاب مقدس اورشلیم (Jerusalem Bible)، و عموماً در نسخه‌های جهانی همچون کتاب مقدس جدید انگلیسی (New English Bible)، کتاب مقدس اصلاح شده انگلیسی (Revised English Bible) و نسخه جدید استاندارد اصلاح شده (New Revised Standard Version).

حتی کلیسای کاتولیک رومی تا دوران ضد اصلاحات (۱۵۰۰م) به طور رسمی کتب آپوکریفا را در زمره کائن قرار نداد. یکی از دلایلی که واتیکان این کار را کرد این بود که برخی از تعالیم آنها همچون دعا کردن برای مردگان، در کتابهای آپوکریفا یافت می‌شود. در حقیقت آپوکریفا یک اثر تاریخی و ادبی یهودی است، و مستقیماً به آموزه‌های مسیحی ارتباطی ندارد. گرچه این کتابها الهامی نیستند اما از نظر فرهنگی و تاریخی ارزش خواندن را دارند البته پس از اینکه شخص درکی استوار از کتب الهامی کائن عبری به دست آورد.

۴. نویسنده

نویسنده الاهی عهد عتیق روح القدس است. او موسی، عزرا، اشعیا و دیگر نویسندگان ناشناس را هدایت کرد تا با الهام از او بنویسند. بهترین و صحیح‌ترین درك از این موضوع که چگونه کتب عهد عتیق نگاشته شده‌اند به دو نویسنده معروف است. عهد عتیق اینگونه نیست که قسمتی از آن الاهی و قسمتی از آن انسانی باشد، بلکه در آن واحد هم کاملاً الاهی و هم کاملاً انسانی است. عنصر الاهی باعث شده که عنصر انسانی را از اشتباه کردن باز دارد. نتیجه آن يك کتاب عاری از اشتباه و بی‌عیب در نسخه اصلی بوده است.

تحلیل مفید از کلام مکتوب را می‌توان ذات دوگانه کلام زنده، عیسی مسیح خداوند بر شمرد. مسیح نه تا يك اندازه انسان و نه تا يك اندازه خدا است (مانند برخی از اسطوره‌های یونانی) بلکه در يك آن هم کاملاً انسان و هم کاملاً خدا است. ذات الاهی اشتباه و گناه به هر شکل را غیر ممکن ساخته است.

۵. تاریخ نگارش

بر خلاف عهد جدید که تقریباً نیم قرن طول کشید تا تمام آن نوشته شود (حدود ۵۰ الی ۱۰۰ میلادی)، تقریباً هزار سال طول کشده است تا عهد عتیق به رشته تحریر در آید (حدود ۱۴۰۰ الی ۴۰۰ ق.م). اولین کتابها یا اسفار پنجگانه بوده‌اند (حدود ۱۴۰۰ ق.م) یا ایوب (که تاریخ آن نامشخص است، اما محتوای آن حاکی از زمانی سخن می‌گوید که هنوز شریعت اعطا نشده بود). دیگر کتابهایی که به دنبال آن می‌آیند پیش از دوره تبعید (حدود ۶۰۰ ق.م) نوشته شده‌اند، کتابهایی همچون یوشع الی سموئیل، و یا اینکه در دوره تبعید نوشته شده‌اند (همچون مراثی و حزقیال)، و یا پس از تبعید، کتابهایی همچون تواریخ، حجي، زکریا، و ملاکی (حدود ۴۰۰ ق.م).

۶. درون‌مایه

محتوای عهد عتیق، بر طبق نسخه‌های پروتستانی کتاب مقدس را می‌توان به اختصار اینگونه بیان

کرد:

اسفار پنجگانه: پیدایش تا تثنیه

تاریخی: یوشع الی استر

شعری: ایوب الی غزل غزلهای سلیمان

نبوتی: اشعیا الی ملاکی

مقدمه‌های مجزا برای هر يك از این قسمتهای اصلی عهد عتیق در تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

در جای مناسب خود یافت می‌شود.

مسیحی‌ای که درک درستی از این کتب داشته باشد، همراه یا مکاشفه کاملتر در عهد جدید، «برای هر عمل نیکویی آماده خواهد شد.»

دعای ما این است که این تفسیر (BBC) بتواند بسیاری از ایمانداران را یاری کند که ایمانداري به تمام معنا باشند.

۷. زبانها

۱. عبري

به جز برخي از قسمتهایی که به زبان آرامی که یکی از شاخه‌های زبان سامی است، نوشته شده است، عهد عتیق در اصل به زبان عبری نوشته شده است.

ایمانداران شگفت‌زده نیستند از اینکه خدا از يك ابزار بسیار مناسب برای قسمتهای اولیه کلام خود استفاده کرده است، زبانی بسیار غنی در اصلاحات و تمثیلهای، که در تار و پود روایت‌های الهامی، شعر، و شریعتی که عهد عتیق را شکل داده، به زیبایی تنیده شده است. عبری یکی از زبانهای باستانی است - اما تنها زبانی است که (به طرز معجزه‌آسایی) احیا شده و تبدیل شده به زبان امروزی يك ملت - اسرائیل.

عبری از راست به چپ نوشته می‌شود، در اصل تنها حروف مصوت آن به این شکل هستند. شخصی که به صدای بلند آن را می‌خواند حروف صدادار را با توجه به دانش خود می‌خواند. خوشبختانه، این امر باعث شد متن عبری برای قرن‌ها خوانا باشد، چرا که غالباً حروف صدادار بودند که از قرنی به قرن دیگر، از کشوری به کشور دیگر و منطقه‌ای با منطقه دیگر تغییر می‌کنند.

گاهی اوقات آنچه نوشته می‌شد (که *kethîv* نام داشت)، واژه‌هایی همچون نام خدا، در گمان مردم مقدس بود و نمی‌شد آن را تلفظ کرد پس یادداشتی در حاشیه نوشته می‌شد که چگونه آن را با صدای بلند تلفظ کنند (*qerê*). همچنین وضعیت در مورد اشتباهات نسخه‌برداران و نیز واژه‌هایی که پس از گذشت قرن‌ها ریک تلفظ می‌شد چنین بود.

در قرن‌های اولیه مسیحیت عالمان یهودی را مازورت می‌نامیدند (که معادل آن در زبان عبری سنت است). می‌بینید که زبان عبری دیگر منسوخ شده بود، و برای اینکه قرائت صحیح متن مقدس عهد عتیق را حفظ کنند يك نظام آواشناسی پیچیده ابداع کردند که تشکیل شده بود از نقطه‌ها و خط تیره‌هایی که بالا و غالباً در زیر بیست و دو صامت عبری قرار داده می‌شد تا مصوت‌های مقرر شده را نشان دهند. حتی امروز هم این «مصوت‌های» قدیمی بسیار صحیح‌تر و علمی‌تر از املاء انگلیسی، فرانسوی و حتی آلمانی است!

متن‌های مصوت‌دار نیز منبع قرائت‌های مختلف است، زیرا بارها شده که گروهی از صامتها با مصوت‌های گوناگون دارای قرائت‌های گوناگون باشند، و از این رو معانی مختلفی نیز داشته باشند. غالباً

چارچوب متن تعیین کننده مفهوم اولیه است، البته نه همیشه. هجاهای گوناگون از اسامی در تواریخ (نگاه کنید به تفسیر) که با پیدایش متفاوت است، بیشتر به خاطر این پدیده است.

با اینحال، رویهمرفته متن سنتی یا مازورتی، به خوبی حفظ شده است. و این شهادتی زنده است از احترام بسیار یهودیان به کلام خدا. هنگامی که به مشکلی بر می‌خوریم غالباً نسخه‌های قدیمی (همچون تارقوم، هفتاد، و ولگیت) ما را در انتخاب واژه صحیح کمک می‌کنند. از اواسط قرن بیستم که طومارهای دریای مرده کشف شدند، اطلاعات بسیاری در مورد متن عبری در اختیار ما قرار گرفت - که غالباً تأییدی بودند بر صحت متن مزورتی.

خوشبختانه باید به آن دسته که عهد عتیق را با ترجمه انگلیسی می‌خوانند این مژده را دهیم که عبری بسیار زیبا به انگلیسی ترجمه شده است - بسیار بهتر از ترجمه لاتین، به عنوان مثال همانگونه که ویلیام تیندیل (William Tyndale) مترجم بزرگ دوره اصلاحات در قرن شانزدهم مطرح کرده است.

تفسیر ما (BBC) در حقیقت مستقیماً بر مبنای کار اولیه تیندیل در عهد عتیق است. او کار خود را از پیدایش تا تواریخ شروع کرد و سپس قسمتهایی از کتب شعری و قسمتهای نبوتی را اصلاح کرد تا اینکه دادگاه تفتیش عقاید او را به خاطر فعالیت‌هایش بر روی چوبه دار آتش زد (۱۵۳۶). دیگران اصلاحات او را در عهد عتیق کامل کردند و در سال ۱۶۱۱ در نسخه‌ای به نام کینگ جیمز به دنیا معرفی کردند و همین اواخر در سال ۱۹۸۲ تجدید نظری در آن صورت گرفت و به نام نسخه کینگ جیمز جدید (New King James Version) به بازار آمد.

۲. آرامی

آرامی هم به مانند عبری یک زبان سامی است، اما نه یک زبان یهودی بلکه زبانی که برای قرن‌ها مردم در دنیای باستان با آن سخن می‌گفتند. وقتی زبان عبری برای یهودیان تبدیل شد به زبانی مرده، عهد عتیق باید برای آنها نیز به زبان آرامی ترجمه می‌شد، زبانی که ارتباط نزدیکی با عبری داشت اما با آن فرق می‌کرد و بنی‌اسرائیل آن را با آن سخن می‌گفتند. نسخه‌ای که با آن سر و کار داریم احتمالاً حوالی سال ۴۰۰ ق.م از آرامی وام گرفته شده است و آرام آرام تبدیل شد به نامه‌های هنری که امروزه برای دانشجویان زبان عبری آشنا است.

غالب حقایقی که در مورد زبان عبری ذکر شد در مورد آن قسمتهای عهد عتیق که به زبان آرامی نوشته شده است نیز صادق است. این عبارات بسیار اندک هستند، و می‌توان پی‌برد که غالباً در مورد ارتباط اسرائیل با همسایگان غیریهودی خود همچون دوده تبعید بابل و پس از آن است.

۸. ترجمه

زبان انگلیسی از ترجمه‌های بسیاری بهره‌مند شده است (شاید بتوان گفت بسیار زیاد!). با اینحال ترجمه‌های عهد عتیق کمتر از ترجمه‌های عهد جدید می‌باشند. این ترجمه‌ها به چهار نوع تقسیم می‌شوند:

۱. بسیار تحت‌اللفظی

ترجمه «جدید» جی. ان. داربی (J.N. Darby) در سال ۱۸۸۲ (عهد جدید آن بسیار زودتر انجام شده بود)، نسخه اصلاح شده انگلیسی سال ۱۸۸۱ (English Revised Version of 1881) و نسخه آمریکایی آن یعنی نسخه استاندارد آمریکایی (American Standard Version) در سال ۱۹۰۱، بسیار تحت‌اللفظی هستند. این ترجمه‌ها برای مطالعه دقیق بسیار مفید هستند اما برای پرستش، قرائت‌های جمعی، و حفظ کردن ضعیف می‌باشند. بسیاری از ایمانداران هنوز هم شکوه و زیبایی ترجمه تیندیل - نسخه کینگ جیمز را ترک نکرده‌اند و آن را به این نسخه‌های جدید و مفید اما کمی خشک ترجیح داده‌اند.

۲. معادل دقیق

نسخه‌هایی که کاملاً تحت‌اللفظی هستند و در زبان مقصد (انگلیسی) دقیقاً الگوهای متن عبری و یونانی را دنبال می‌کنند، در عین حال هر جا که سبک و اصطلاحات متن بطلبد ترجمه‌ای آزادتر از متن اصلی به دست می‌دهند، که این ترجمه‌ها شامل KJV، RSV، NASB و NKJV هستند. متأسفانه در مورد ترجمه RSV باید گفت که گرچه غالباً متن عهد جدید آن را خوب و قابل اعتماد می‌دانند، اما این ترجمه به عهد عتیق در آمیخته است و بسیاری از نبوت‌های مربوط به مسیح را کمرنگ جلوه داده است. این گرایش خطرناک حتی امروزه هم در میان برخی از محققان و دانشمندان خوب سابق دیده می‌شود. BBC بدین منظر ویرایش شد تا با ترجمه NKJV مطابقت داشته باشد، ترجمه‌ای که میان ترجمه زیبای KJV و زبان مورد استفاده امروزی قرار دارد، بدون اینکه از واژه و ضمیرهای منسوخ شده در زبان رایج امروز استفاده کند.

۳. معادل پویا

این نوع ترجمه کمی آزادتر از معادل دقیق است، و گاهی اوقات هم به سمت تعبیر می‌رود، یک تکنیک نافذ تا هنگامی که خواننده از آن آگاهی دارد. ترجمه‌های (New English Bible) NEB، (New International Version) و Jerusalem Bible در این مقوله می‌گنجند. در این ترجمه‌ها تلاش بر آن است که تمام مفاهیم در ساختار قرار گیرند، ساختاری که اگر موسی و اشعیا هم امروز - به زبان انگلیسی - مبادرت به نوشتن می‌ورزیدند از آن استفاده می‌کردند. اگر این روش به احتیاط انجام شود، روشی بسیار خوب و مفید خواهد بود. در این نوع ترجمه خطر معمولاً زمانی است که مترجمان نتوانند مفاهیم الاهیاتی را به طور کامل و جامع به زبان مقصد انتقال دهند.

۴. تفسیر

یک تفسیر به دنبال این است که تنها مفاهیم را انتقال دهد، و از این رو آزاد است که واژه‌ها را حذف و یا اضافه نماید. از آنجایی که ممکن است در این ترجمه جملات کمتر و یا بیشتر شوند همیشه خطر تفسیر

بی‌ش از حد وجود دارد. ترجمه Living Bible گرچه انجیلی است در بسیار موارد تفسیرهای قاطعی کرده است که بسیار بحث‌برانگیز هستند.

بهتر آن است که از هر سه دسته ترجمه کتاب مقدسی داشته باشیم تا بتوانیم آنها را مقایسه نماییم. با اینحال، اعتقاد ما بر این است که معادل کامل و دقیق برای تفسیر و بررسی ما از کتاب مقدس بهترین ترجمه است.

۹. الهام

در میان این بحبوحه جزئیات و پیچیدگیهای تکنیکی صلاح می‌بینیم سخنان چالز هودسون اسپرجن (Charles Haddon Spurgeon) واعظ انگلیسی و بیتیست را برایتان نقل کنیم:

این مجموعه (کتاب مقدس) نوشته خدای زنده است: هر واژه با انگشتانی قادر و توانا به رشته تحریر در آمده است؛ هر کلمه از آن از لبهای ابدی جاری شده است؛ هر جمله از آن را روح القدس ادا کرده ست. گرچه موسی به کار گرفته شد تا با قلم آتشین خود تاریخش را رقم زند، اما خدا بود که قلم او را می‌نغزانید. شاید داود بود که چنگ خود را می‌نواخت و نغمه‌های مزامیر از انگشتان او پراکنده می‌شد، اما خدا بود که دستان او را بر روی این زه‌های زنده چنگ طلایی او به تحرك وا می‌داشت. شاید سلیمان بود که غزل‌های عاشقانه را می‌سرود، و یا کلام حکمت کمال را تولید می‌کرد، اما خدا بود که لب‌های او را هدایت می‌کرد، و کلام واعظ را شیوا و بلیغ می‌گردانید. اگر به غرش‌های ناحوم گوش فرا دهیم، آنگاه که اسبانش آنها را در می‌نوردند، یا حبقوق آنگاه که خیمه‌های جوشن را زیر هجوم مرض می‌بیند؛ اگر ملاکی را بخوانم، آنگاه که زمین همچون تنوری گداخته می‌شود؛ این صدای خداست؛ و این کلام نه کلام انسان بلکه کلام خداست؛ کلام یهوه خدای ابدی، نادیده و قادر زمین.